

تاریخچه دانشگاه کارل ۱ پراگ

یکی از قدیمترین مؤسسات اروپای مرکزی دانشگاه کارل پراگ است که ۶۰۰ سال قبل تأسیس گردیده . این دانشگاه از قرون وسطی تا زمان حاضر برای چکوسلوواکیها بلکه برای بعضی از ملل اروپائی از قبیل آلمانها و هنگریها و لهستانها و اسلاوهای جنوبی چه در آن عصر و چه در عصر حاضر اهمیت و ارزش زیادی داشته و دارد نظر با اهمیت این دانشگاه و خدمات شایانی که این مؤسسه بعالم علم و ادب از سرزمین اروپای مرکزی نموده است مختصراً تاریخچه این دانشگاه را بعرض قرار مینمایم .

قبل از افتتاح دانشگاهها در تمام اروپای غربی و حتی در چک اسلواکی آموزشگاههای دینی بمنزله مؤسسات عالی و مهم معارفی محسوب میگردد و در آن مؤسسات زبان لاتین و فلسفه و منطق و علوم حکمت الهی و غیره تدریس میشد . عالیترین مؤسسه معارفی پراگ در قرون وسطی آموزشگاه مذهبی دینی مقدس بود که در آنجا علوم مذهبی ، فلسفه ، منطق ، دستور زبان و منطق و غیره تدریس میگردد بطوریکه حتی در دوره شاه معروف چک موسوم بدیرمیشل دوم (۱۲۷۸-۱۲۵۳) دانشجو بان خارجی زیادی از آلمان و هنگری و لهستان و سربانی و سایر مسالک با تعلق محصلین چک در آن آموزشگاه مشغول تحصیل بودند . ولی جوانانی که طالب علوم عالیتری بودند ناچار بخارجی یعنی بدانگاههای پاریس و انگلیس و ایتالیا عزیمت مینمودند . تا اینکه در دوره راسلاردوم (۱۳۰۵-۱۲۷۸) که چک اسلواکی بواسطه استخراج معادن سرشار نقره خود دارای اوضاع اقتصادی رضایت بخش شده بود در نظر گرفتند که با تأسیس دانشگاهی این تقیصه را رفع نمایند و حتی بمجلس شورای ملی نیز در این زمینه پیشنهادهایی داده شد ولی نظر بجهت عدیده آن منظور در آن موقع عملی نگردد و انجام این مقصود بوسیله کارل چهارم فیصر روم پادشاه فاضل و روشن فکر چک صورت گرفت .

کارل چهارم در دربار فرانسه تربیت شده و اصول تمدن آندوره فرانسه را آموخته بود. کارل در زمان حیات پدرش (یان لوگزامبورک پادشاه چک) اعازم فرانسه گردیده و دورهٔ جوانی خود را در دربار پاریس بسربرد و در ضمن علوم عالیّه آن عصر را بخوبی فرا گرفت پس از فوت پدر بتخت سلطنت چک جلوس نمود و بعلاوه بسمت امپراطوری روم مقدس انتخاب شد (۱۳۷۸ - ۱۳۴۶) و تصمیم گرفت چک اسلواکی را مرکز تمدن و معارف عصر خود قرار دهد و در هفتم آوریل ۱۳۴۸ منظور خود را بوسیلهٔ ابلاغیه عملی نمود یعنی اولین دانشگاه اروپای مرکزی را در شهر پراگ تأسیس کرد و این دانشگاه جدید طبق اصول دانشگاههای پاریس و انگلیس مشتمل بر چهار دانشکده میگردد؛ در درجه اول علوم الهی در درجه دوم حقوق و سوم طب و در مرتبه چهارم دانشکده علوم قرارداد است. در این دانشکده فلسفه و دستور زبان و منطق و معانی و بیان و ریاضیات و هندسه و موسیقی و نجوم تدریس میگردد این شعبه تقریباً یکدورهٔ مقدماتی برای دخول در سایر دانشکده ها بود. در همان سال اول افتتاح این دانشگاه بقدری عدهٔ دانشجویان زیاد شدند که ناچار آنها را بسبک دانشگاه پاریس بچهار دسته تقسیم نمودند:

- ۱ -- بواروی آلمانهای جنوب غربی
- ۲ -- ساکسونی آلمانهای مرکزی -- انگلیسها -- اسکاتلند و ایرلند
- ۳ -- یولونی لهستانها و اهالی سیلیزیا
- ۴ -- چکی هنگریها و اسلاوهای جنوبی و چکها

هر يك از این دسته های چهارگانه در ادارهٔ امور دانشگاه صاحب يك رأی بودند طبق اطلاعاتی که از آندوره رسیده عده دانشجویان دانشگاه در آن زمان به ۴۰ هزار نفر میرسیده و با فرض اینکه این خبر اغراق آمیز باشد بطور قطع میتوان گفت عدهٔ آنها از ۲۵ هزار نفر کمتر نبوده است.

دانشکده علوم متفرقه بیش از سایر شعب داوطلب داشت.

قیصر کارل چهارم برای تأمین وسائل مادی این دانشگاه از هیچ قسم فداکاری دریغ

نکرده املاک حاصلخیز و ابنیه فراوانی بدانشگاه اهداء نمود که منافع آنها بمصرف مخارج آن دانشگاه برسد و همچنین عمارات و ابنیه بسیاری بنا کرد که برخی از آنها با اینکه ششصد سال از تاریخ ساختمان آنها میگذرد هنوز پایدار و بر قرار مانده و باز بهمان منظور معارفی خدمت میکنند .

این پادشاه دانش دوست نه فقط امور اداری دانشگاه و مخارج آن را تأمین نمود بلکه بدانشجویان سعی بی بضاعت نیز کمک و مساعدتهای بسیار نموده و وسائل تسهیل تحصیلات آنها را تهیه میکرد از جمله بناهایی برای سکونت آنها احداث نمود و خوراک و پوشاک و بالاخره تمام مخارج آنها را از هر حیث تا انعام دوره تحصیلاتشان بطور کامل فراهم کرده بود. باید گفت که از این موقعیت قابل شایان بیشتر خارجیهها مخصوصاً آلمانیها استفاده نموده و نظر بکثرت عدهشان برای بدست گرفتن زمام امور دانشگاه از بذل هرگونه مساعی و کوشش دریغ و فرو گذار نکرده و در نتیجه اغلب باچکها مباحثه داشتند .

دانشگاه پراگ که یگانه موسسه عالی معارفی در اروپای مرکزی بود در مدت قلیلی مقام قابل ملاحظه از لحاظ تمدن بمن لملی احراز نمود برای اثبات درجه اهمیت و اشتهار و ارزش زیاد این دانشگاه که تأثیرات عمده در تمدن نموده میتوان بدلائل ذیل استناد کرد و مقایسه نمود. وقتیکه در باب حقانیت پاپرم و پاپ آوینون Avignon بین دربار و دانشگاه فرانسه اختلاف نظری حاصل شد و دانشگاه پاریس حاضر نبود که رأی دوات را دائر بر حقانیت پاپ آوینون بشناسد هیئت مدیره آن دانشگاه تصمیم گرفتند که مقر خود را ز پاریس بدانشگاه پراگ انتقال دهند .